

بررسی سیر تکوینی، تاریخی و اجتماعی حادثه عاشورا خلاصه‌ی جلسه نخست

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين خاتم رسله و اشرف انبيائه ابى القاسم مصطفى محمد صل الله عليه وآله و على آله المطهرين الاثمه المعصومين صلوات الله عليهم اجمعين و اللعن الدائم على اعدائهم اجمعين، الناكثين و القاسطين و المارقين، من الآن الى قيام يوم الدين.

از نگاه جامعه‌شناسی اسلامی، برای تحلیل یک پدیده و یک رویداد اجتماعی می‌بایست سه مرحله طی شود. مرحله‌ی نخست بررسی ارتباط و نسبت آن پدیده‌ی اجتماعی با حقائق عالم است. به معنای بررسی ارتباط آن پدیده‌ی اجتماعی با عالم پیش از دنیا و عالم پس از دنیا. این مرحله را بررسی «سیر تکوینی» آن رخداد اجتماعی می‌نامند.

در مرحله‌ی دوم باید روابط این پدیده با وقایع ماقبل، که توالی آن‌ها سبب بروز این رویداد شده است، و وقایع و حوادث مابعد، که این رویداد به بروز آن‌ها انجامیده است، بررسی شود. این مرحله را بررسی «سیر تاریخی» آن پدیده‌ی اجتماعی می‌نامیم.

از این نکته نباید غفلت نماییم که هیچ رویداد اجتماعی به صورت ناگهانی رخ نمی‌دهد. هر پدیده‌ای به ناگزیر یک سیری را طی می‌کند تا به مرحله‌ی بروز و ظهور برسد. این اصلی است که جامعه‌شناسی غربی نیز آن را نادیده نگرفته است. پدیده‌های اجتماعی همگی تدریجی هستند و این خصیصه‌ای است که قابل انکار نمی‌باشد.

در مرحله‌ی سوم می‌بایست روابط رویداد مورد تحلیل با حوادث هم عصر خود مورد بررسی قرار بگیرد. شرایط اجتماعی‌ای که وجود داشته است و رویدادهایی که در همان زمان در آن جامعه یا سایر جوامع بروز پیدا کرده‌اند.

اگر این سه مرحله طی شود، ما را به یک تحلیل جامع و صحیح از یک رویداد اجتماعی می‌رساند که این تحلیل سبب ایجاد «موضع‌گیری» صحیح شده و قدرت «پیش‌بینی» و «کنترل» حوادث و رویدادهای آتی را به تحلیل‌گر می‌دهد. مجموع این موارد مانع «انفعال» مسلمانان در برابر امور «مستحدثه» می‌شود.

واقعه‌ی عاشورا نیز یک رویداد اجتماعی است و داشتن تحلیل صحیح از این پدیده‌ی اجتماعی که یقیناً بدون حضور یک سیر تدریجی حاصل نشده است، این قدرت را به ما می‌دهد تا از بروز امور مشابه جلوگیری نموده و جریانی را که این واقعه دنبال می‌کرده و در پی آن بوده را به سرانجام برسانیم و در این میان رسالت خویش را انجام دهیم.

جایگاه این سیر بحث به جهت ماهیت پژوهشی‌اش، بر روی منبر نیست و این زمان کوتاه مجال موشکافی و تحلیل کارشناسانه را نمی‌دهد و این امر را باید به مراکز پژوهشی مربوطه در شهر مقدس قم واگذار کرد، جائیکه «جامعه‌شناسی اسلامی» تأسیس شده و قواعد و اصول آن تبیین گردیده است.

غرض ما در این سیر از بحث تنها تطبیق مواردی از تاریخ و وقایع حادثه عاشورا با این مدل و الگوی جامعه‌شناسی است، تطبیق با نتایجی که محصول آن مطالعات پژوهشی بوده‌اند.

امامت و خلافت و وجود رهبری در یک جامعه‌ی بشری امری نیست که مورد انکار هیچ یک از ابناء بشر باشد. جامعه‌شناسان غربی نیز به لزوم و ضرورت آن اذعان داشته‌اند. ایشان در بیان کیفیت پیدایش جامعه می‌گویند که ابتدا انسان‌ها در غار و تنها و دور از یکدیگر زیست می‌کرده‌اند. نیازهای مشترکی مانند خوراک، پوشاک، دفع بلیات طبیعی، حفاظت از حیوانات درنده و مانند آن سبب تشکیل نخستین جوامع انسانی شد. بر اساس این تحلیل تنها یک سری نیازهای مادی انسان‌ها را به سوی زندگی اجتماعی کشاند.

این تحلیل اساساً مورد تأیید ما نمی‌باشند. شما می‌بینید نخستین انسانی که خلق شد پیامبر بود، البته اگر صرف‌نظر کنیم از حقیقت که نور پاک پنج تن آل عبا پیش از خلقت آسمان و زمین خلق شده است. این بدان معنی است که در نخستین مرحله از خلقت بشر نیز جامعه وجود داشته است. اگر چه دو نفر بیشتر نبوده‌اند لکن یکی امام بوده و دیگری مأموم، یکی ولی و دیگری متولی. در جامعه‌شناسی اسلامی نیاز مادی به عنوان اساس شکل‌پذیری جامعه و تشکیل آن تلقی نمی‌شود. روایات فراوانی وجود دارد که دال بر این معنا و تأییدی بر این مطلب می‌باشند.

حق انتصاب و تعیین امام و حاکم بر جامعه‌ی بشری را نیز حضرت حق ^{جل‌شأنه} تنها برای خود محفوظ داشته و احدی را اجازه‌ی دخالت در این امر نداده است که آیات قرآن دال بر این مطلب است.

در نهایت هم کیفیت تشکیل جامعه و ضرورت آن ارتباط با تکوین پیدا می‌کند و هم امامت و خلافت بر

انسان‌ها و موضوع اصلی حادثه‌ی عاشورا امامت است. □

بررسی سیر تکوینی، تاریخی و اجتماعی حادثه عاشورا خلاصه‌ی جلسه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين خاتم رسله و اشرف انبيائه ابى القاسم مصطفى محمد صل الله عليه وآله و على آله المطهرين الاثمه المعصومين و اللعن الدائم على اعدائهم اجمعين، الناكثين و القاسطين و المارقين، من الآن الى قيام يوم الدين.

همه داستان حضرت ابراهيم علي نبينا وآله و عليه السلام را شنیده‌ایم. تا سنين پیری پروردگار فرزندی از «ساره» نصیب ایشان نفرمود. تا این که به پیشنهاد همسرشان «ساره» با کنیز او «هاجر» ازدواج فرمودند و خداوند پس از سال‌ها «اسماعیل» را به این خانواده‌ی پاک عطا فرمود. درست زمانی که این فرزند به سن نوجوانی رسیده بود و دلبستگی فراوانی میان پدر و فرزند پدید آمده بود، حضرت ابراهيم از طریق دیدن یک خواب مأمور شدند فرزند دلبند خود را در راه دین و حقیقت قربانی نمایند. تا آخر داستان که حضرت وظیفه‌ی خود را انجام دادند ولی هر چه تلاش کردند چاقو بر قفای فرزند کارگر نشد و وحی رسید که یا ابراهيم تو به وظیفه‌ات عمل کردی ﴿لَقَدْ صَدَقْتَ الرُّؤْيَا﴾ و به جای اسماعیل این گوسفند را قربانی نما ﴿وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾^۱.

مفسرین در توضیح صفت «عظیم» که برای «ذبح» آمده است، اختلاف پیدا کرده‌اند. عده‌ای بزرگ بودن جثه‌ی گوسفند را علت آن دانسته‌اند. بعضی گفته‌اند این همان گوسفندی است که «هابیل» قربانی کرد و مورد قبول واقع شد، لذا عظیم دانسته شده است. عده‌ای دیگر ایجاد یک سنت ماندگار در قربانی کردن که حجاج هر ساله انجام می‌دهند را علت آوردن این وصف ذکر کرده‌اند.

علامه مجلسی در «بحار الانوار» و شیخ صدوق در «عیون الاخبار» روایتی را ذکر کرده‌اند که احتمال دیگری را در تفسیر این آیه پیش روی ما می‌گذارد که مضمون آن روایت چنین است:

حضرت ابراهيم پس از این که فرمان رسید از قربانی کردن فرزند دست بردارد، سخنی شکوه‌گونه با خدا دارد. می‌فرماید: پروردگارا چرا این توفیق را که فرزندم را قربانی دینت نمایم و به مقام «صبر و استقامت» نائل شوم را از من گرفتی؟! وحی رسید که: یا ابراهيم نفس خودت را بیشتر دوست داری یا پیامبر آخرالزمان را؟ (می‌دانیم که انبیاء الهی همگی از ظهور نبی مکرم اسلام صل الله عليه وآله مطلع بوده‌اند و در سختی‌ها

از طریق توسل جستن به آن حضرت و اهل بیت او نجات پیدا می‌کرده‌اند). ابراهیم پاسخ داد: مسلماً او را بیش از خود دوست می‌دارم. مجدداً از او پرسیده شد: ذبح شدن فرزند او توسط دشمنان دین بیشتر دل تو را می‌سوزاند یا این که فرزند خودت را با دست خودت قربانی کنی؟ حضرت ابراهیم گفت: قطعاً از شهادت او بیشتر آزرده خاطر می‌شوم. وحی آمد که:

«فدا نمودم جزع تو را بر اسماعیل به جزع بر حسین علیه السلام» و این معنای آیه مذکور می‌باشد و منظور از «ذبح عظیم» قیام عاشورا و حضرت اباعبدالله است.

در حال بررسی ارتباط پدیده‌ی اجتماعی عاشورا با حقایق تکوینی جهان بودیم. از این روایت برداشت می‌کنیم که در نبرد میان حق و باطل که یک نبرد تاریخی است که از ابتدای خلقت آدم ابوالبشر وجود داشته است و هنوز هم ادامه داردⁱⁱ نیاز به یک «تیر خلاص» بوده است، نیاز به یک «قربانی» که ضربه‌ی کاری و عمیق بر پیکره‌ی کفر وارد آورد. می‌دانیم در همیشه‌ی تاریخ سلاحی که حق از آن استفاده می‌کرده است «خون»، «مظلومیت» و «محبت» بوده است. در مقابل سلاح کفر همیشه «زور»، «استکبار» و «خونریزی» بوده است که برآیند آن نیز به ضرر لشکر کفر تمام شده است. این ضربه وارد شد و آن چنان کاری بود که رمق نظام کفر را گرفته و به تدریج آن را تضعیف می‌نماید تا زمانی که شرایط برای قیام حضرت **بقیت‌الله** مهیا می‌شود.

لطمات حاصل از این ضربه، کفر را آن چنان متحیر ساخت و تا به آن جا کشاند که متوکل عباسی دستور ویران کردن قبر مطهر اباعبدالله و شخم‌زدن و به آب بستن آن را صادر کرد. وقتی آب را وارد این سرزمین کردند، آب تا نزدیک قبر مطهر رفت لکن در محدوده‌ای به دور خود چرخید و قبر را در بر نگرفت. از دیدن این صحنه مباشر این کار ایمان آورد که توسط متوکل کشته شد. این محدوده به «حائر حسینی» مشهور شد و نام «حائری» به معنای انتساب به همین محل است.

آیا آب می‌فهمد؟! آیا آب شعور دارد؟! آیا آب اراده و اختیار دارد؟!

بله... آب می‌فهمد. تمام عناصر موجود در این جهان دارای درک و فهم و شعور هستند. همه‌ی کائنات در اصطلاح علمی «فاعل‌های تبعی» هستند برای «فاعل‌های محوری» که معصومین ^{علیهم‌السلام} می‌باشند. «فاعل‌های تبعی» اطاعت محض دارند از «فاعل‌های محوری»ⁱⁱⁱ.

نقش انسان‌ها در این میان چیست؟! ما انسان‌ها «فاعل‌های تصرفی» در نظام خلقت هستیم. از ترکیب این سه عنصر با هم یک دستگاه، یک نظام، یک سیستم و یک مجموعه درست می‌شود. «کمال»، «رشد» و «ارتقاء» امری نسبی است که تنها در یک نظام و سیستم قابل تعریف است. درست مانند موتور یک ماشین که اجزاء متعددی دارد و در مجموع یک هدف واحد را دنبال می‌نماید.

در مجموعه‌ی «نظام فاعلیت»های جهان هستی، کمال «فاعل‌های تبعی» در اطاعت محض از فرامین «فاعل‌های محوری» تعریف می‌شود و کمال «فاعل‌های تصرفی» با قرار گرفتن و تصرف و فعالیت در جهتی که «فاعل‌های محوری» مشخص ساخته‌اند تأمین می‌گردد. «فاعل‌های محوری» که معصومین می‌باشند و محور خلقت و کائنات و جهان هستی هستند، استراتژی تکامل و حرکت و رشد جهان را تدوین و طراحی می‌نمایند. در این میان، واقعه‌ی عاشورا تبیین یک استراتژی مهم در مسیر تکوین است. ■

بررسی سیر تکوینی، تاریخی و اجتماعی حادثه عاشورا

خلاصه‌ی جلسه سوم (شب هشتم محرم)

سخنران: حجت الاسلام موسوی موشح

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين خاتم
الرسل و اشرف انبيائه ابى القاسم مصطفى محمد صل الله عليه وآله و على آله المطهرين الاثمه المعصومين و اللعن
الدائم على اعدائهم اجمعين، الناكثين و القاسطين و المارقين، من الآن الى قيام يوم الدين.

در بیان مواردی از روابط موجود میان واقعه‌ی عظیم عاشورا و حقایق عالم بودیم. زیارت عاشورا را
یک «حدیث قدسی» دانسته‌اند. «احادیث قدسیه» در حقیقت خطاباتى است از جانب پروردگار که توسط جبرائیل
بر نبی مکرم اسلام متناسب با حوادث و رویدادها وارد شده است.

در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «... مصیبه ما اعظمها و اعظم رزیتها فی الاسلام...». از خود می‌پرسیم
چگونه است که این مصیبت عظمی به دین اسلام نسبت داده شده است؟! در حالی که دین اسلام «حقیقتی» در
عالم هستی دارد و می‌دانیم که «ان الدین عندالله الاسلام» و از آغاز خلقت بشر «دین» همانا اسلام بوده است،
یعنی حقیقتی تکوینی و وجودی مستقل در عالم دارد. می‌بینیم که فرموده‌اند «فی المسلمین»!

در ادامه نیز فرموده‌اند: «... و فی جميع السماوات و الارض ...». حماسه‌ی عاشورا در همه‌ی عوالم و
آسمان‌ها تأثیر گذاشته است، تا آن جا که شیخ جعفر شوشتری اعلی الله مقامه در «خصائص الحسینیة» روایاتی نقل
می‌فرمایند در بیان عزاداری‌هایی که پیش از وقوع این حادثه در عالم، برای مظلومیت حضرت ابی‌عبدالله
علیه السلام برگزار شده است و حوادثی که برای هر کدام از انبیاء هنگام عبور از صحرای کربلا رخ داده است.

حضرت سیدالشهدا علیه السلام هنگامی که «ولید بن عتبه» از ایشان برای بیعت با یزید لعنه الله دعوت نمود، در
توصیف خود فرمودند: «ایها الامیر! انا اهل بیت النبوه ... بنا فتح الله و بنا ختم الله ...». آغاز خلقت با انوار
قدسیه‌ی این بزرگواران صورت پذیرفته و پایان حرکت جهان نیز به همانان ختم می‌گردد.

در مجموع، عاشورا بیش از آن که با عالم ماده و دنیایی کوچک ما مرتبط باشد با حقیقت جهان هستی
مرتبط است.

یکی دیگر از حقایق این جهان «محبت» و «حب» است. «محبت» از حقایقی است که توسط معصومین «تأسیس» شده است. همان گونه که حقیقت «پلیدی» و «گناه» و «فساد» توسط ابلیس لعین درست در همان زمانی که از امر حضرت ربوبی تخلف نمود «تأسیس» شد. چه این که قبل از او اساساً چنین چیزی وجود نداشت و در عالم هستی محقق نشده بود.

«اویس قرنی» محبت فراوانی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله داشت. اما او به ناچار در یمن بود و دور از حضرت. نقل است در جنگ احد که در اثر کوتاهی و خطای گروهی از مسلمانان فشاری به لشکر اسلام وارد شد، دندان مبارک نبی مکرم اسلام شکست. می فرمایند در همان لحظه، در اثر حادثه‌ای دندان اویس در یمن شکست. «محبت» حقیقتی تکوینی است و وجودی مستقل در جهان هستی دارد.

«محبت» مانند هر محصول و هر کالای دیگری، بعد از تولید بایستی «توزیع» شود و به «مصرف» برسد. عاشورا بزرگترین محل توزیع «محبت» به اهل بیت نبوت و رسالت در میان ابناء بشر است و امروز می بینیم بعد از گذشت سال ها از آن روز، روز به روز بر این محبت و علاقه افزوده می شود. □

بررسی سیر تکوینی، تاریخی و اجتماعی حادثه عاشورا

خلاصه‌ی جلسه چهارم (شب نهم محرم)

سخنران: حجت الاسلام موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين خاتم
الرسل و اشرف انبيائه ابى القاسم مصطفى محمد صل الله عليه وآله و على آله المطهرين الاثمه المعصومين و اللعن
الدائم على اعدائهم اجمعين، الناكثين و القاسطين و المارقين، من الآن الى قيام يوم الدين.

بررسی رابطه‌ی عاشورا با حقایق جهان هستی را با عنوان «سیر تکوینی عاشورا» در سه جلسه به
اتمام رساندیم، با بیان و تطبیق واقعیاتی از این حماسه‌ی خون‌بار. در ادامه‌ی بحث وارد حوزه‌ی «سیر
تاریخی عاشورا» می‌شویم.

گفتیم بررسی «سیر تاریخی» یک پدیده‌ی اجتماعی، به معنای بررسی ارتباط و نسبت آن رویداد با
حوادث ماقبل و مابعد خود است، تأثیراتی که رویدادهای ماقبل در آن گذاشته‌اند و سبب بروز آن پدیده شدند
و تأثیراتی که آن پدیده در حوادث مابعد خود گذارد. در حقیقت این قسمت از بحث درصدد یافتن جایگاه
حماسه‌ی عاشورا در محور تاریخ است.

«عاشورا محور تکامل تاریخ است، هم نسبت به گذشته و هم نسبت به آینده»

در همه‌ی ادیان توحیدی، پس از آن که هر نبی قوم خود را به سوی عبادت و پرستش خداوند فرا
می‌خواند، با رحلت آن نبی دیری نمی‌پایید که «کفر» با چهره‌ی «بت پرستی» دوباره خود را نشان می‌داد. بت
پرستی، این گونه که در تواریخ اسلامی نگاشته‌اند با فریبی که ابلیس به قابیل داد پدید آمد و در همیشه‌ی
تاریخ مانع بقای ادیان الهی و سبب انحراف پیروان ایشان از صراط حق می‌گشت.

به عنوان نمونه در دین مسیحیت می‌بینیم که پس از (به زعم مسیحیان) مصلوب شدن حضرت مسیح
علی نبینا و آله و علیه السلام شخصی به نام «پولس» که یهودی بوده و در زمان حیات ایشان ظلم‌ها و ستم‌ها و
کشتارهایی که در حق پیروان و حواریون مسیح داشته زبان زد بوده است، با این نیرنگ و فریب، که
مکاشفه‌ای برای او رخ داده و از این به بعد مسیحی شده است (!) جایگاهی در میان مسیحیان باز کرد که

توانست تمام تعالیم مسیح را تغییر داده و دین توحیدی او را به انحراف بکشاند. تا آن جا که امروز در تمامی کتب مذهبی مسیحیان، عهد عتیق و جدید، از او با عنوان «پولس نبی» نام برده می‌شود و بیش از هر کس دیگر حتی بیش از مسیح (!) از او روایت شده است.

در دین اسلام هم این بیم وجود داشت. حضرت سید الموحدين عليه افضل الصلوات المصلين فرمودند: «حقى فقد تركت مخافه أن يرتد الناس». ایشان هم خوف این را داشتند که مسلمانان مانند پیروان سایر ادیان، دوباره به بت پرستی ظاهری بازگردند.

عاشورا برای همیشه این باب را بست و امید بازگشت به بت پرستی را به شیوه‌ی جاهلیت برای همیشه ناامید کرد. عاشورا تحولی در تاریخ پدید آورد و سرنوشت آن را تغییر داد. اما این که چگونه و به چه کیفیتی، عرض خواهیم کرد.

شیخین با غضب خلافت در پی بازگرداندن بت پرستی در لفافه‌ی دین بودند، مانند آن چه که پولس با مسیحیت کرد. اما مقاومت‌های حضرت امیر عليه السلام و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نمی‌گذاشت ناگهانی دین را برگردانند، آن گونه که دین مسیح را برگرداندند. بیست و پنج سال سکوت و خانه‌نشینی حضرت خاری بود در چشم کفر و آنان را به سمت دیگری سوق داد.

شیخین با تولید شیب در تاریخ، جهتی را درست کردند تا به تدریج به بازگشت بت پرستی بیانجامد. ولایت حق سه سطح در ولایت دارد: ولایت تکوینی، ولایت تاریخی و ولایت اجتماعی. در ولایت تاریخی، فاعل‌های محوری که ائمه‌ی نور می‌باشند، سیر حرکت تاریخ را رقم می‌زنند و نظام آن را به دست می‌گیرند و به آن جهت می‌دهند.

ائمه‌ی کفر هم چند سطح دارند، بعضی تنها به تصرف جامعه‌ی خود قانع‌اند، بعضی جهان و بعضی تاریخ. بعضی بزرگان کفر آن چنان در کفر خود پیش رفته‌اند که طمع در تاریخ کرده‌اند. هنگامی که ابوسفیان به خاندان اموی و اخلاف ناپاک خود می‌گوید خلافت را میان خود بچرخانید، چنین طمعی دارد. امیدش حکومت و ولایت بر تاریخ است.

عاشورا توانست ولایت آنان را به هم بزند و طمعشان را ببرد و می‌بینیم از آن پس تمامی حوادث و قیامات و نهضت‌ها با نام حمایت از اهل بیت نبوت صورت می‌پذیرد، حتی آن مواردی که مخلوط به هوا و هوس است. به چه کیفیتی؟! چگونه؟!

هویت جنگ، سیاسی است. اما وقتی یک جنگ عمق پیدا می‌کند تبدیل به «نبرد اخلاقی» می‌شود. در جنگ اخلاقی که سنگین‌ترین نوع جنگ است، نبرد دو سپاه در حقیقت تقابل دو اخلاق است. عاشورا جنگی است میان «اخلاق حمیده» در یک طرف و «اخلاق رذیله» در طرف مقابل.

سپاه حق تمام نیکی، پاکی و اخلاق حسنش را به میدان رزم می‌آورد و لشکر کفر در مقابل با تمام پلیدی و خباثت و رذالت اخلاقی حاضر می‌شود. حماسه‌ی عاشورا فصاحت کفر را به همیشه‌ی تاریخ نشان داد و آن را رسوا کرد. این رسوایی تا به حدی است که از عاشورا به این طرف دیگر کفر ناگزیر می‌شود بت پرستی خود را در پشت ظواهری دیگر پنهان کند. کفر دیگر هرگز نتوانست به بت پرستی آشکار بازگردد. بساط بت پرستی مجسم برای همیشه برچیده شد. عاشورا تاریخ را عوض کرد! ■

بررسی سیر تکوینی، تاریخی و اجتماعی حادثه عاشورا

خلاصه‌ی جلسه ششم (شب یازدهم محرم)

سخنران: حجت الاسلام موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين خاتم
الرسل و اشرف انبيائه ابى القاسم مصطفى محمد صل الله عليه وآله و على آله المطهرين الاثمه المعصومين و اللعن
الدائم على اعدائهم اجمعين، الناكثين و القاسطين و المارقين، من الآن الى قيام يوم الدين.

«عاشورا محور تكامل تاريخ است هم نسبت به گذشته و هم نسبت به آینده» در بیان این محوریت
گفتیم که عاشورا به عنوان یک نقطه‌ی عطف در تاریخ جهان هستی، تضمینی شد بر این که دیگر برای هرگز
«بت پرستی» به صورت ظاهری قدرت ظهور و بروز پیدا نکند. چگونگی این تأثیر را نیز بیان داشتیم.

اما نکته‌ی دیگر در بیان ارتباط عاشورا با تاریخ، نقش عاشورا است در «ارتقاء وجدان عمومی جامعه»
در گذر زمان. حماسه‌ی عاشورا پدیده‌ای اجتماعی است که سطح وجدان جامعه را بالا برده است.

در ضمن بیان روابط تکوینی گریزی به جامعه‌شناسی اسلامی و تحلیل آن از کیفیت پیدایش جامعه
زدیم. نقد کردیم نگرش جامعه‌شناسی غربی بر این موضوع را که علت پیدایش اجتماعات بشری را نیازهای
مادی می‌داند. اما این که بشر از جامعه چه می‌طلبد و جامعه چه چیز به او می‌دهد مطلبی است که اشارتاً
در این مرحله مطرح می‌نماییم.

انسان از جامعه در سطح اول «توسعه‌ی امنیت» می‌خواهد و در سطح بالاتر «توسعه‌ی مشارکت».
منظور از مشارکت، تنها آن حالت نازله‌ای که امروزه مطرح می‌شود نیست. مشارکت در سطح عالی از طریق
مفاهیمی مانند «وقف» و «نذر» تحقق می‌یابد. تفصیل این بحث را باید واگذار نماییم به مرحله‌ی بررسی
اجتماعی و در آن جا ان شاء الله این مطلب را بیشتر باز خواهیم کرد ولی اجمالاً عرض می‌شود که در جامعه‌ی
آرمانی‌ای که اسلام وعده می‌دهد، به عنوان مثال نوع بانکداری عوض می‌شود، بانک در جامعه‌ی اسلامی
مانند غرب نیست که مدیریت گردش پول را تنها بر عهده داشته باشد. بانک اسلامی مدیریت گردش وقف و
نذر را بر عهده دارد.

البته جامعه‌شناسی اسلامی برخلاف مکاتب دیگر با تحقق جامعه‌ی آرمانی و اتوپیای خود دچار سکون و سپس افول نمی‌شود. بلکه حرکت در جامعه‌ی اسلامی همچنان وجود خواهد داشت.

تا پیش از عاشورا تنها «اقرار به اسلام» تحقق یافته است و هنوز جامعه‌ی اسلامی مبتنی بر عناصر تعریف شده‌ی خود محقق نشده است. عاشورا بستری می‌سازد و شیبی درست می‌کند تا با ارتقای وجدان عمومی جامعه، جهت تاریخ را به سمت تحقق جامعه‌ی اسلامی تغییر دهد.

عاشورا از طریق «تهذیب تاریخ» تاریخ را دگرگون می‌سازد. تا پیش از حادثه‌ی عاشورا، حتی تا اندکی پس از آن هنوز مواجهه با قومیت‌گرایی عرب هستیم. در فضایی که اطاعت از کسی صورت می‌پذیرد که قدرت مادی داشته باشد و حق و باطل ملاحظه نمی‌شود. انسان‌ها فرامین رؤسای قوم را می‌پذیرند چون رئیس قوم‌اند. نمونه‌ی تکامل یافته‌ی آن، سیستم مدیریت غربی است، سیستمی که در آن‌ها علت برتری به صورت مادی تعیین می‌شود. در حالی که در جامعه‌ی اسلامی اطاعت بر اساس عنصر «تقوا» توزیع می‌شود. سلسله مراتب بر اساس تقرب به حضرت حق شکل می‌گیرد. حال بحث از این که چگونه مفهوم تقوا کمی و ریاضی و قابل محاسبه می‌شود، فضایی دیگر می‌طلبد.

عاشورا تدریجاً نظام ارزشی جامعه را متحول می‌کند و به سمت و سوی جامعه‌اسلامی سوق

می‌دهد. ■

ⁱ. صافات: ۱۰۷

ⁱⁱ. بحث تفصیلی آن در جلسات بعد هنگامی که وارد بررسی سیر تاریخی واقعه‌ی عاشورا شدیم خواهد آمد ان‌شاءالله.

ⁱⁱⁱ. توضیح مفصل و علمی این مفاهیم در «فلسفه‌ی نظام ولایت» که مفسر چگونگی حرکت در تکوین است بیان شده است. این فلسفه متولی تحلیل «شدن اسلامی» در سه سطح «توسعه، کلان و خرد» می‌باشد.